

پیروز باد پیکار خلق قهرمان ویتنام که از حق مقدس اداره سر نوشت خویش
علیه امپریالیستهای متجاوز امریکائی با جانفشانی و دلاوری دفاع میکند!

ما به نام مردم ارگان مرکزی ضرب توده ایران

در باره «انقلاب آموزش عالی» در ایران

ده روز فستیوال، ده روز

اهتزاز پرچم جوانان توده

ده روز سرود و مارش، ده روز رقص و آواز، ده روز دوستی و رفاقت، ده روز همبستگی برای بهترین آرزوهای بشریت شهر قدیمی صوفیه را جوان کرده بود، ۲۰ نفر جوان از ۱۴۳ کشور در فستیوال شرکت کردند، برنامه پر و رنگارنگ بود، هر روز صدها فعالیت هنری و ورزشی انجام میگرفت ولی مهمترین خاطره ای که از فستیوال نهم برجا ماند، بحثها کنفرانسها و میتینگها بود که نشان میداد جوانان بکار سیاسی و شرکت در فعالیت سیاسی در مقیاس میهنی و بین المللی علاقه بیشتری نشان میدهند. فستیوال در استادیون واسیلی لوسکی افتتاح شد، ۷۰ هزار نفر در این مراسم شرکت کردند، تودور ژیکو نخست وزیر جمهوری توده ای بلغارستان صحبت کرده و با این جملات شروع فستیوال را اعلام نمود:

«خبر مقدم برفقای جوان، خبر مقدم به پیشروان فردای تانک بشریت»،
رژه شروع شد، در پیشا پیش همه دلگامیون ویتنام قهرمان حرکت میکرد، دختران و پسران جوان که چند روز قبل با دنباله در صفحه ۵

غله تشکیل شده بود، بدون آنکه میان امور غله کاری و مسائل دانشگاہی ارتباط مستقیم وجود داشته باشد، مسئله تحقیقات را برای انتقاد از ناسامانی وضع دانشگاہها و امور پژوهش در کشور دستاویز قرار داد. سخنان نخست وزیر در این کنفرانس سر و صدا و جنجالی بزرگ و بقول مطبوعات «موجی» از انتقاد بپا نمود. در پی انتقادات نخست وزیر استعفای جمعی رؤسای دانشگاہها و سپس رؤسای دانشگاہها انجام گرفت. پس از اعلام عدم صلاحیت بعضی دانشگاہیان مقاومت سرسختانه و اعلامیه تبرئه جوانان رئیس دانشگاہ تهران پیش آمد، معلوم شد که دانشگاہیان روح «انقلاب اداری و آموزشی» شاه را درک نکرده اند و وزارت علوم که عهده دار انجام انقلاب در سطح مدارس عالی بود، بقول نخست وزیر فقط «در روی کاغذ» تشکیل شده است. «موج» برخاسته از نطق نخست وزیر در کنفرانس غله تهران تا سواحل دریای خزر دامن کشید، در کنفرانس آموزشی رامسر باوج خود رسید و «منشور انقلاب آموزشی» را بارمغان آورد.

آقای نخست وزیر پس از اینهمه هياهو و صحنه سازی و کنفرانس بازی بالاخره اعلام داشت که «منظور از انقلاب آموزشی که صورت گرفت (؟) بهچوچه تخطئه افراد بخصوص نبود». رئیس جدید دانشگاہ تهران نیز که «به پیروی از منویات شاهنشاه آریا مهر» برنامه نو سازی دانشگاہ تهران را عهده دار شده است، علیرغم تمام انتقاداتی که بدانشگاہیان وارد آمد، «نهایت افتخار» خود دانست که «جانشین رؤسائی دانشمند و مدبر... که لیاقت خود را به اثبات رسانده اند»، شده است! از فتوای نوشته های مطبوعات میتوان باین نتیجه رسید که در میان مدعیان اجرای منویات شاهانه اختلافاتی وجود داشته است و تمام انتقادات و سر و صداها از سوئی بمنظور جلب افکار بانقلاب آموزشی شاهانه انجام گرفته است و از سوی دیگر بمنظور زمینه سازی برای گروه معین از مدعیان یا بقول مطبوعات برای سرکار آوردن «تیم» عباس هویدا و مجید رهنما.

ولی صرف نظر از جنبه های تبلیغاتی و صحنه سازیهای گروههای مخالف، عوامل عمیق تر و نیرومند تری موجبات طرح مسائل آموزشی را در ایران فراهم آورده است که در خورد بررسی جدی تر است.

علل عقب ماندگی آموزشی عالی در ایران دانشگاہها و مدارس عالی ایران هم در کار پژوهش و هم در امر تربیت کادرهای متخصص در وضع ناهنجاری قرار دارند و کار آنها با نیازمندیهای رشد کشور و مقتضیات دنباله در صفحه ۱۰

از کنفرانس غله تا کنفرانس

آموزشی

آقای هویدا طی سخنرانی خود در کنفرانس غله بمنظور بررسی طرق افزایش

نامه شاد باش کمیته مرکزی حزب توده ایران به

رفیق ایرج اسکندری

دبیر حزب توده ایران بمناسبت شصت سالگی

رفیق بسیار عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران شصتمین سال تولد شما را که یکی از اعضا مبرز رهبری حزب توده ایران و یکی از بنیاد گذاران این حزب هستیید از صمیم قلب شاد باش میگوید.

شما از آغاز جوانی و ایام تحصیل در فعالیت انقلابی شرکت جستید و سراسر زندگی آگاهانه خویش را وقف خدمت به اندیشه های تانک مار کسسم لنینیسم کرده اید. شما یکی از یاران و همکاران نزدیک دکتر تقی ارانی رهبر شهید زحمتکش ایران هستیید و همراه وی محله «دنیا» را که نقشی مؤثر در بیداری جمعی از کارگران و روشنفکران و گرایش آنها بسوی اندیشه های انقلابی داشت ایجاد نموده اید، بمناسبت فعالیت انقلابی خود شما سالیان چندی از بهترین ایام حیات خود را در زندان گذرانیدید و بمناسبت همین فعالیت انقلابی از طرف رژیم کنونی غیاباً محکوم به اعدام و مجبور به زندگی دور از میهن شده اید. ولی شما در هر مقامی که بودید، خواه در مقام دبیری حزب، خواه در مقام عضویت در فراکسیون حزبی در مجلس، خواه در مقام وزارت پیشه و هنر پیوسته با ایمان راسخ بدنبال راه و آرمان حزب توده ایران رفته اید. شما در تنظیم خط مشی حزب و انطباق جهان بینی وی بر شرایط ایران پیوسته نقش ارزنده ای ایفاء کرده اید.

همه کسانی که شما را میشناسند نه فقط بمناسبت شخصیت اجتماعی و سیاسی، بلکه همچنین بسبب شخصیت انسانی تان بشما علاقه و احترام قلمی دارند.

رفیق عزیز،

ما آرزو مندیم که از عمر دراز و تندرسر و ثمر بخشی بسود حزب و جنبش مردم میهن عزیز ما بر خوردار باشید و در آینده بتوانید مضمدر خدمات برجسته تری نسبت به آرمانی شوید که طی زندگی بیدان دلسته و مؤمن بوده اید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

بلیه عظیم

خبر وحشت آوری همه جهان را تکان بخش وسیعی از خراسان در زیر ضربت کتک زلزله قرار گرفت: شهر های فردوس، کباباد، کاخک، قائم و صدها ده بویرانه ای میدل گردید. تعداد کشتگان از ۲۰ هزار و زخمی ها از ۵۰ هزار تجاوز است. سخن از ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار بیخانمان در میان است. چنین بلیه طبیعی تاکنون در ایران سابقه نداشته است و در جهان نیز اوشمار صعب ترین بلایای طبیعی است.

روشن است که عواقب شوم زلزله را فقر مردم و عقب ماندگی شدید ناحیه زلزله دیده تشدید کرده است. کلبه های کلین و خانه های نا استوار در این نواحی طالت لرزش مداوم زمین را نداشت. شهرهای غیر مجهز ما: ده های قرون وسطائی که در آن وسائل تمدن بعد اقل ممکن است، نمیتوانند زبانه های عمیق وارده از زلزله را جبران کنند، زخمی ها را درمان نمایند، افراد زنده ای را که در زیر آوار مانده اند بواقع نجات دهند. لذا مصیبتی که بر سر هم میهنان ما در خاور کشور آمده است، همدمستی بلای طبیعی و اجتماعی است و مسئولیت آن تنها با طبیعت

نه فقط یک ایرانی که هر قدر از وطن دور باشد، نمیتواند ناله ها و گریه های جانسوز کودکان یتیم و خاندانهای مصیبت رسیده را نشنود، بلکه هر انسانی در جهان، اکنون از این فاجعه شدت متأثر است. ما بنبوه خود از همه هموطنان میخواهیم با کلیه امکانات خود بیاری زلزله زدگان بشتابند و این کار را بیک امر مشترک ملی میدلسازند. باید تا آنجا که ممکن است از آلام هم میهنان بلا رسیده ما کاست. ما اطمینان داریم که در این روز های دشوار روح همبستگی مردم ایران یکبار دیگر جلوه گر خواهد شد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران و هیئت تحریریه مردم، این فاجعه را بهمه مردم ایران و بویره به آسیب دیدگان زلزله از صمیم قلب تسلیت میگوید.

مقاله

در باره حوادث چک اسلواکی

را در صفحات ۳ و ۴ مطالعه فرمائید

اسناد حزبی درباره حوادث

چکوسلواکی

حزب توده ایران حوادثی را که از آغاز سال ۱۹۶۸ در جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی میگشست با دقت تطبیق نمود. برخی پدیده های ناسالم بویره رخنه تدریجی عوامل ضد سوسیالیستی و ضد انقلابی، فعالیت روز افزون امپریالیستهای آلمان غربی و امریکا و رفت و آمد عامل آنها در چکوسلواکی و ارتباط وسیعی که در داخل این کشور سوسیالیستی بوجود آورده بودند بحق برای احزاب کمونیستی و کارگری و از جمله حزب ما نگرانی آور بود. بهمین جهت حزب ما مذاکرات و موافقت های چی ارنا و براتیسلاوا را بشکله گام مهمی در راه جاوگیری از این وضع و سالم کردن محیط در کشور سوسیالیستی چکوسلواکی تلقی نمود و اظهار امیدواری کرد که حزب و دولت چکوسلواکی با اجراء مدلول موافقتنامه های مزبور بر اوضاع تسلط یابند و خود را سربل شکلانی که مورد تصدیق زمامداران آن کشور نیز بود فائق آیند. متأسفانه حوادث این امیدواری را تأیید نکرد و سرانجام پنج کشور سوسیالیستی متفقاً تصمیم گرفتند که بکمک مردم زحمتکش چکوسلواکی و سرکوب ضد انقلاب بشتابند.

نظر بویلا حظیات فوق از همان آغاز هیئت دبیران کمیته مرکزی این اقدامات را مورد تأیید قرار داد و ضمن استنادی که ذیلا نقل میشود موضع خود را که ناشی از فعالیت عمیقاً امپریالیستی حزب است روشن ساخت. اظهار نظر هیئت دبیران کمیته مرکزی حزب توده ایران که بوسیله رفیق راهش دبیر اول کمیته دنباله در صفحه ۶

دنباله از صفحه ۱

در باره «انقلاب آموزش عالی»

جهان کنونی بهیچوجه همانندگی ندارد. نخست وزیر در کنفرانس غله تهران ضمن تأیید نظر کسانی که میگویند این وضع «نتیجه مستقیم مقررات و تشکیلاتی است که در گذشته حاکم بر سرنوشت این مؤسسات بوده و اکنون باید تغییر کنند»، معتقد است که «گذشته هر چه باشد، بیشتر مسئولان امر یا نخواستند یا نتوانسته اند که با شهامت و قاطعیت بکار برکندن ریشه های درد بپردازند» و بهر حال «بین افراد و سیستم های تشکیلاتی رابطه ای ناگسستنی موجود است». بنا بر این آقای نخست وزیر فقط قیود و مقررات اداری و عوامل ذهنی را علل نابسامانی امر دانش پژوهی و دانش جوئی در ایران میدانند و آن عوامل بنیادی و عینی را که موجبات عقب ماندگی رشد اجتماعی و اقتصادی و بالنتیجه تکامل علم و فرهنگ کشور ما را فراهم آورده است، پرده پوشی میکنند. بی دلیل نیست که شاه نیز مسائل اداری و آموزشی را در یک ردیف قرار میدهد و آخرین «انقلاب» خود را «انقلاب اداری و آموزشی» نام میگنارد.

مقررات اداری و عوامل ذهنی همیشه در امر پیشرفت کشور تأثیر منفی داشته است و سالهاست که احزاب و گروههای مترقی، دانشمندان و دانشجویان این قبیل نواقص و نقائص را بباد انتقاد گرفته اند و چه بسا آزادی و جان خود را در این راه از دست داده اند. یکی از مجله های تهران ضمن اشاره بانقادات نخست وزیر بدرستی یادآور شد که «انتقادات بیان شده حرفهائی بود که باصطلاح دانشجویان از حفظند. اما عنوان کردنش همیشه موجب دردسرشان شده است و اکثراً از قید آن گذشته اند». عقب ماندگی ایران در زمینه آموزش و فرهنگ بیش از همه معلول علل و عوامل بنیادی است و از نظام اجتماعی و رژیمهای سیاسی حاکم بر سرنوشت کشور سرچشمه گرفته است.

نظام اجتماعی متکی بر مالکان نیمه فئودال و بازرگانان دلال انحصارات خارجی به پیشرفت دانش و توسعه پژوهشهای علمی نیازی ننمیدد. دساتر دول استعمارگر و تسلط سرمایه های امپریالیستی مزید بر علت میشد. تک جواهرهای ضعیف و پراکنده تولید سرمایه داری نیز نمیتوانست انگیزه های لازم در زمینه پیشرفت علم و فن فراهم سازد.

در چنین شرایطی دانش و فرهنگ فقط تا حدودی که نیازهای معنوی بسیار محدود و چه بسا مسخ شده طبقات و قشرهای حاکم را برآورده سازد و به بقای سلامت جسمانی آنها یاری رساند و اهرمهای اداری و نظامی حافظ نظام و رژیم موجود را تأمین کنند، مورد توجه بود. از اینرو حتی تا چند سال پیش فقط رشته های ادبیات و الهیات، تاریخ و حقوق و تا حدودی طب و کشاورزی و چند رشته کلاسیک علوم دقیقه (فیزیک و شیمی و ریاضیات) آنهم در سطح ثانوی و نه تفریحی و انطباقی میتوانست

پاسخگویی تمام حوائج این نظام و این رژیمها باشد. ایجاد دانشگاه با بنای زیبا و مدرن، گرس چه بدون آزمایشگاه و آزمایشگر، مظهر تمدن قلمداد میشد و نه یک ضرورت اجتماعی و اقتصادی، رفتن مدرسه و دانشگاه، اخذ دیپلم و لیسانس بیشتر جنبه تجمل و تشخیص پیدا میکرد تا وسیله ارضاء نیازهای مبرم، القاب و کبیل دعاوی و دکترا، دیپلمه و لیسانسیه مظاهر روشنفکری و دانش نمائی و ایده آل جوانان متمکن بود و مایه تشخیص اجتماعی و وسیله رسیدن به جاه و مقام و عامل ثروت و قدرت.

در اینجا میان خواستها و مقتضیات بنیاد اجتماعی و اقتصادی کشور و سطح تکامل علم و شیوه های آموزشی همانندگی نسبی وجود داشت. این همانندگی حتی در دوران استبداد رضا شاه و مدتی از دوران حکومت مطلقه فرزند او نیز کم و بیش وجود داشت. زیرا همراه با تحریک نسبی در وضع اجتماعی و اقتصادی کشور، تغییراتی نیز در زمینه دانش و آموزش پدید آمد. این همانندگی نسبی بمعنای کمال مطلوب دوران نبود، بلکه همگامی فرهنگی عقب مانده با اقتصادی وامانده بود. و اگر نه امکانات مادی و انسانی بالقوه و میراث و سنن علمی و فرهنگی کشور ما اجتماعی زنده تر، اقتصادی پویانده تر و فرهنگی غنی تر و بارآور تر را ایجاد میکرد. ولی هر چه بود در خورد ایرانی محصور در چنگال استعمار و سرمایه خارجی و مفروق در شیوه ها و سیره های ماقبل سرمایه داری بود.

تغییر شرایط و بروز تضاد ها

تبلیغات رژیم طرح مسائل آموزشی و اقدامات اخیر را نتیجه تدبیر و خرد شاهانه جلوه گر میسازد. ولی این ادعائی بیش نیست. تحت تأثیر یکسلسله عوامل داخلی و خارجی، عواملی که بطور عمده از دیالکتیک رشد درونی جامعه ناشی میشود و نیز عواملی که از منطق تکامل جهانی سرچشمه میگردد و در این میان پیدایش سیستم جهانی سوسیالیستی و تغییر تناسب نیروهای جهانی بسود سوسیالیسم نقش عمده دارد، در بنیادهای اقتصادی و اجتماعی ایران دگرگونیهای معین و محسوس پدید آمده است. صنایع و بازرگانی، حمل و نقل و ارتباطات با آهنگی نسبتاً سریع و کشاورزی با سرعتی کمتر در حال پیشرفت است. نظام کنونی دیگر نظامی نیست که صرفاً به طبقه مالکان نیمه فئودال و قشرهای کمیرادور متکی باشد. سرمایه داری از صورت تک جواهرهای پراکنده و ضعیف خارج شده است و با سرعتی محسوس در تمام رشته های اقتصادی و شئون اجتماعی ریشه میبندد.

رشد اقتصادی، پیشرفت معین را در زمینه علوم و آموزش کادرهای لازم برای رفع نیازمندیهای نیروهای مولده ایجاد میکند. اکنون چند سالی است که ایران از لحاظ کادرهای علمی و فنی چه در سطح عالی و چه در سطوح پائین تر با دشواریهای جدی روبروست. باین دشواریها مانند گذشته

نمیتوان از راه وارد کردن عمده ای متخصص و مشاور از خارج پابان داد، زیرا حوائج کنونی وسیعتر از گذشته است. آنچه دبروز نشانه همانندگی نسبی در یک جامعه عقب مانده بود، امروز مبین ناسازگاری شدید در جامعه است که در اثر نفوذ امپریالیسم و تسلط رژیمهای غیر ملی و غیر دموکراتیک با تأخیر فراوان در راه پیشرفت نسبی گام نهاده است. این ناسازگاری بصورت تضادها و ناهماهنگیهای مبین در زمینه دانش و پژوهش بروز میکند. تضاد میان سطح موجود آموزش و دانش و خواسته های رشد اقتصادی و اجتماعی کشور - عمده ترین تضاد در زمینه فرهنگ ماست.

کامبود کادرهای علمی و فنی در تمام سطوح و اغلب رشته ها، عدم تناسب میان رشته های مختلف علوم و فنون و نقائص کمی و کیفی مراکز آموزشی از لحاظ کادر و وسائل آموزشی و سیستم آموزشی از مظاهر این تضاد عمده هستند.

عوامل معین نیز وجود دارد که به تشدید این تضادها کمک کرده است: افزایش سریع جمعیت، بهبود نسبی وضع مادی مردم، توجه بیشتر اهالی با آموزش و دانش که با سرعتی بیش از ازدیاد نفوس و بهبود وضع مادی آنان افزایش مییابد، فقدان سیستم علمی آموزش و برنامه عمل، قلت وسایل مادی بعلت کثرت هزینه های اداری و نظامی و غیره.

حل این تضاد عمده و از میان برداشتن مظاهر و عوامل مشدده آن مستلزم اقدامات وسیع مبتنی بر برنامه علمی و عملی و صرف هزینه های فراوان است. «منشور انقلاب آموزشی عالی» که در کنفرانس رامسر به تصویب رسید، هدف ها و اصول و نحوه اجرای این «انقلاب» را که باید معطوف به حل این تضادها باشد، تعیین نموده است. به بررسی اجمالی خطوط کلی این منشور میپردازیم.

هدف های «انقلاب»

در ماده اول منشور هدف عمده انقلاب با استناد به گفته شاه چنین تعیین شده است: «هدف اساسی از تحول آموزشی آنست که شخصیت جوانان ما و حس اعتماد به نفس ایشان از هر جهت تقویت شود... و این تحول باید بجوانان ایران امکان بدهد که استعداد های مختلف آنان در هر رشته ای با بهترین صورت به تجلی در آید». آیارژیم کنونی بانجام این هدف قادر است؟ بدیهی است رژیمی که تمام مظاهر آزادی و دموکراسی را در سراسر کشور از بین برده است، با وارد کردن فشار بدانشجویان، با حاکم کردن «آئین نامه انتظامی» که هدفش جلوگیری از هرگونه اظهار نظر انتقادی و کشتن شخصیت دانشجویان و سرکوب کردن جنبش دانشجویی بدست کماندو ها و پلیس و سازمان امنیت است، با اعزام دانشجویان «ناراحت» بخدمت سربازی بعنوان مجازات و با توسل بانواع فتنه ها و نیرنگها نمیتواند شخصیت جوانان ما را در دانشگاهها پرورش دهد و در آنان اعتماد به نفس ایجاد کند.

رژیمی که با ایجاد شهریه های سنگین و دریافت ورودیه هزاران جوان مستعد ولی بی بضاعت را از ادامه تحصیل باز میدارد و راه را برای بی استعدادان متکین هموار میسازد، قادر نخواهد بود که استعداد های جوانان ما را پرورش دهد. تا زمانیکه آزادی و دموکراسی در سراسر کشور برقرار نشود، تا زمانیکه موانع مالی و مادی از پیش پای اکثریت جوانان ایران برداشته نشود، این هدف مضمون خود را از دست خواهد داد و اعلام آن چیزی جز عوامفریبی نخواهد بود.

توسعه کارهای پژوهشی، ایجاد «روحیه تحقیق و کنجکاوی علمی» و اینکه «باید اصولاً جامعه ما بطور دائم خودش را با مقتضیات پیشرفت و تکامل تطبیق دهد بطوری که همیشه از این لحاظ با مترقی ترین جوامع جهان همگام باشد» از هدفهای دیگر انقلاب آموزشی است. در ماده ۲۵ منشور اعلام شده است که «سازمان و تشکیلات اداری و مالی دانشگاه باید در جهت ایجاد محیط مناسب برای علم و تحقیق تغییر یابد و مقررات طوری باشد که آزادی عمل کسانی را که مسئول اجرای برنامه های دانشگاهی هستند تأمین نماید». در مورد این هدف نیز این سؤال مطرح میشود که رژیم که آزادی بیان و قلم را ریشه کن ساخته است و حتی عقاید را تحت کنترل سازمان امنیت قرار داده است، چگونه میتواند برای بررسی های علمی و بخصوص در زمینه علوم اجتماعی که بیش از هر چیز به محیط آزاد و فارغ از ترس نیازمند است «محیط مناسب» و «آزادی عمل» بوجود آورد و یا با بودجه تحقیقاتی ناچیز خود که با افزایش روزافزون هزینه های نظامی و اداری بیش از پیش در تنگنا قرار میگیرد شرایط مالی فراهم سازد. هدف واقعی رژیم تربیت مشتی تکنوکرات بی روح و آلت دست است که تنها وظیفه اش خدمت به نیازهای مادی و معنوی رژیم باشد. و اما در باره «همگامی» با مترقی ترین جوامع باید گفت که بیش کشدن تحقیقات

اتمی و کیهانی و غیره از هم اکنون جنبه های ظاهر سازی و تبلیغاتی این هدف را روشن میسازد. ایران که هنوز خاکهای خود را برای امور کشاورزی تجزیه نکرده است، نمیتواند و نباید در فکر تجزیه اتم باشد، ایران که هنوز تقریباً به پژوهش منابع زیر زمینی خود نپرداخته است، نمیتواند و نباید درصد پژوهش سموات برآید، ایران که هنوز نمونه های نفت خود را برای آزمایش بخارچه میفرستد، نمیتواند و اجازه ندارد به تولید سوخت هسته ای اقدام نماید و یا بجای اصلاح نژاد دامهای کشاورزی در فکر سفید تغییر رنگ سبزه ها باشد.

ایران در شرایط کنونی و بخصوص با بودجه و امکانات محدود خود نمیتواند درصد پژوهشهای وسیع و بخصوص پژوهش های انتزاعی باشد. نتایج تحقیقات پر دامنه در تمام رشته های علم و فن بمقیاس وسیع در سراسر جهان منتشر میشود. اشکال کار در دسترسی به نتایج این تحقیقات نیست، بلکه دریافتن دنباله در صفحه ۵

در باره حوادث چک اسلواکی

در ماه ژانویه ۱۹۶۸ پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی (ح.ک.ج.) رهبری جدیدی برگزید و آنتونی نووتنی را بعنوان دبیر اول از کار برکنار کرد و ضرورت اصلاح اشتباهات گذشته و بهبود شیوه رهبری و بسط دموکراسی سوسیالیستی را متذکر گردید. حزب ما مانند بسیاری از دیگر احزاب کمونیستی و کارگری جهان نسبت به این تصمیمات تفاهم کامل نشان داد و اصلاح شیوه‌های منسوخ را در رهبری حزب، دولت و جامعه و استقرار تناسب صحیح بین دموکراسی و مرکزیت و بسط دموکراسی سوسیالیستی را در جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی سودمند و ضرور دانست. زیرا برای تأمین تکامل سریع جامعه سوسیالیستی باید ناسالب و موازین و مؤسساتی که دیگر در شرایط مشخص تاریخی کهنه شده است و دیگر پاسخگوی نیازمندی‌های رشد نیست جای خود را به اسالیب و موازین و مؤسساتی بدهد که تکامل جامعه سوسیالیستی را بهتر تأمین نماید، مارکسیسم و لنینیسم را به ویژگیها و شرایط کشور بنحوی خلاق تری انطباق دهد، بر جاذبه جامعه سوسیالیستی و کارائی سیستم اقتصادی-اجتماعی آن بیافزاید. ولی متأسفانه از همان آغاز یک سلسله پدیده‌ها در جامعه سوسیالیستی چکوسلواکی پدید شد که مایه نگرانی گردید. ذکر همه واقعات در اینجا میسر نیست ولی ما به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱- وسائل عمده تبلیغ مانند رادیو، تلویزیون و روزنامه عرصه فعالیت شدید نیرو هائیکر قرار گرفت که از سوسیالیسم استنطاق و پزندی داشتند و نسبت به کشورهای سوسیالیستی متحد چک اسلواکی و بویژه اتحاد شوروی روش گاه غیر دوستانه‌ای را در پیش گرفتند. خرائدی مانند «لترارنی لیستی»، «ملادا فرونتا»، «پراتسه»، «رپورتر» به تقبیح شدید گذشته، سست کردن باور عمومی به اصول متداوله، یخش نظریات تازه‌ای در باره سیاست داخلی و خارجی چک اسلواکی پرداختند؛
- ۲- در کنار حزب کمونیست، مؤسسات سیاسی دیگری بتدریج وارد میدان عمل شدند، احزاب «جبهه ملی» طی اعلامیه‌ای حق مساوی خود را با ح.ک.ج. برای شرکت در حکومت اعلام داشتند، حزب سوسیال دموکرات، چنانکه جزائید برخی کشور های سوسیالیستی نوشته اند، علیرغم تصویب دولت مخفیانه دست با ایجاد شبکه زد، کدوب «۲۳۱» و کلوب «غیر حزبیهای متعهد» که در آن همه گونه عناصری بودند تشکیل شد. وقتی در ماه فوریه کریگل عضو هیئت سیاسی ح.ک.ج. رسماً از ضرورت بازگشت به سیستم «پلورالیستی» (تعدد احزاب) و «پارتیزیم» (حق مساوی شرکت احزاب در دولت) سخن گفت این امر در

حکم تشویق این سازمانهای سیاسی به بسط فعالیت خود بود. در پایان ژوئیه نامه معروف به «۲۰۰۰ کلمه» که یک پلانفرم روزیونستی بود نشر یافت. در اینجا باید این نکته را افزود که در طرح تازه ای که ح.ک.ج. برای اساسنامه خود تهیه کرده بود «حق اقلیت» را در حزب که نوعی قبول فراکسیون بود، پذیرفته بود و این گفتگو در میان بود که در گذر ماه سپتامبر سیاست نوین سازمانی حزب تصویب گردد؛

- ۳- از طرف رجال رسمی دولتی سخنانی آشکارا در مطبوعات و مصاحبه‌ها گفته شد که نشانه وجود مقاصدی در باره تغییر عمیق سیاست داخلی، خارجی و اقتصادی بود. مثلاً جستجویمرچیزار دبیر حزب در ماه فوریه گفت که یکی از شرایط دمکراتیزاسیون جدا کردن رهبری حزب از دولت، اقتصاد و فرهنگ است. داکتر هایک وزیر خارجه از ضرورت ایجاد تغییراتی در سیاست خارجی چک اسلواکی سخن گفت. ژنرال پرشیک رئیس بخش امنیت کمیته مرکزی از ضرورت تغییر در مقررات پیمان ورشو سخن گفت و شایعاتی در باره خروج از این پیمان قوت میگرفت؛
- ۴- نمانندگان عمال شناخته شده امپریالیسم امریکا و آلمان غربی دست بفعالیت شدیدی در چک اسلواکی زدند هتل های «آلکرون» و «اسیلاناده» در پراگ به مرکز تجمع آن نوع خبرنگاران غربی مبدل شد که روابط معینی با محافل دولتی و جاسوسی کشورهای سرمایه داری دارند. برزیسکی کار شناس معروف ضد شوروی امریکایی در چک اسلواکی سخنرانیهای داد و در آن افکار تجدید نظر طلبانه شدیدی را بیان کشید. دکتر بلستینگ رئیس بانک آلمان غربی برای مذاکره به چک اسلواکی آمد. والتر شل رئیس حزب لیبرال آلمان غربی و اپلر و کیل مجلس از حزب سوسیال دمکرات به چک اسلواکی آمدند. برای بیان اهمیت مسافرت والتر شل همین‌س که وی گزارش این مسافرت را به کبزیگر و براندت داد.

مطبوعات سرمایه داری، رادیو و تلویزیون در این کشورها به شکل بیسابقه‌ای بدفاع از تحولات چک اسلواکی و سیاه جلوه دادن گذشته آن پرداختند. پروفوسر مهنت که از کارشناسان معروف کشورهای شرقی است در توصیف حوادث چک اسلواکی در ۳۰ مارس ۱۹۶۸ در تلویزیون آلمان غربی گفت: «این جریان در چک اسلواکی تکامل در آن سمتی است که لنین را شدت خشنامک میکرد یعنی تکامل در جهت سوسیال دموکراسی یا سوسیالیسم دمکراتیک». پروفوسر مهنت افزود: «منطق اشیاء حکم میکنند که روزی بگوئیم سوسیال دموکراسی در این کشور زمام امور را بدست گرفته است.»

روزنامه فرانکفورتر روندشائو در تاریخ ۲۸ مارس ۱۹۶۸ نوشت که در چک اسلواکی «دگماتیکیها گام بگام از رأس امور پلیس، ارتش و دادگستری و بوروهای ایده‌تولوژیک دور میشوند». یا مثلاً کریسکی رئیس حزب سوسیالیست اطریش در روزنامه «دی ولت» (هامبورگ) نوشت: «در مرحله اخیر در چک اسلواکی یک جریان دموکراتیزاسیون واقعی عملی مشد. در نتیجه این جریان دیگر چک اسلواکی یک کشور دیکتاتوری کمونیستی نبود. دستگاه حا که دیکتاتوری کمونیستی را تکامل درونی حوادث فلج میکرد». روشن است که مقصود کریسکی سوسیالدمکرات از «دیکتاتوری کمونیستی» و فلج شدن آن چیست و آنها در پایان پروسه «دمکراتیزاسیون» چه میدیند. مهنت و کریسکی در واقع جریان «ضد انقلاب آرام» را در سخنان خود بیان میکنند. تردیدی نیست که این امر یک پروسه کمابیش طولانی بود ولی بگفته رفیق گومولکا دبیر اول حزب لهستان چک اسلواکی بر سرآشویی قرار گرفته بود که پایان آن روشن نبود. این جریان در چک اسلواکی روز بروز شدت مییافت. کار بجائی رسید که نویسندگان «نامه ۹۹ نفر» کارگران کارخانه «اوتو پراگ» به روزنامه پراودا، که در آن در عین تأیید رهبری جدید و مشی آن، نسبت به روحیات و اظهارات ضد شوروی ابراز نگرانی شده بود، بعنوان «خائن» مورد فشار عده ای از جراید قرار گرفتند و حتی در تاریخ ۸ اوت، بنا بر شرح مفصلی که روزنامه «روده پراو» ارگان ح.ک.ج. در ۱۷ اوت نگاشت، عده کثیری از جوانان در مقابل کمیته مرکزی گرد آمدند و رهبری حزب را، که بعقیده آنان باندازه کافی در جاده مطالب نمیرفت «خو کهای ترسو» خواندند و سنگ به در و پنجره عمارت کمیته مرکزی پرتاب کردند. رهبری حزب در جلسه کمیته مرکزی در ماه مه تصدیق کرد که اکنون خطر عمده از سمت راست است ولی عملاً برای جلوگیری از این خطر گام مؤثری برداشته نشد.

تسامح رهبری حزب بدان نشان میداد که رهبری تصور خاصی از دموکراسی سوسیالیستی دارد و بویژه بامکانات خود برای حفظ ابتکار و عنان زدن به نیرو های ضد سوسیالیستی که دمدم نیرو میگرفتند بر بها میدهند یا این نیروها ناچیز میشدند و حال آنکه حوادث بعدی و فعالیت وسیع نیرو های ضد سوسیالیستی که به مطابق رادیوها، تلویزیون و مراکز تسلیحات مجهز بودند نشان داد که این نیروها بیکار نبودند و کم بها دادن به قدرت عمل و تأثیر آنها عملی مدبرانه نبود. دموکراسی سوسیالیستی، دموکراسی همراه با مرکزیت، دموکراسی همراه با رهبری طبقه کارگر و حزبش، دموکراسی همراه با دیکتاتوری پرولتاریاست. لزومی ندارد از

این افراط که احدی جز «پیشوا» یا «گروه زنده ای رهبران» حق اظهار نظر انتقاد و ابتکار نداشته باشند به این تفریط رفت که بهمه انواع نظریات حتی نظریات ضد سوسیالیستی میدان بروز و عمل داده شود. آری ما خواستار تأمین وسیعترین حقوق دمکراتیک برای انسان هستیم ولی تحقق این امر در شرایط کنونی تاریخی که دشمن طبقاتی امپریالیستی هنوز مواضع مهمی را در دست دارد و برای جلوگیری از پیشرفت سوسیالیسم از هیچ اقدامی فرو گذار نمیکند و بقایای ایده تولوژی بورژوازی هنوز در جوامع سوسیالیستی از میان نرفته است فقط بشکل محدود و بصورت گام بگام شدنی است. حدود این دموکراسی به تناسب قوای انقلاب و ضد انقلاب در جهان و درون کشور معین به درجه رشد اقتصادی و فرهنگی آن کشور معین بستگی دارد یعنی دموکراسی مانند همه مقولات تاریخی امری است کنکرت. مسلماً اجراء موازین اکید سانسورالیستی در چک اسلواکی امروزی که کشور سوسیالیستی رشد یافته است کاری نادرست است ولی زیاده روی در جهت عکس آن نیز نادرست است و اینرا واقعات نیز نشان داده است.

کشورهای سوسیالیستی شوروی، آلمان دموکراتیک، لهستان، مجارستان، بلغارستان طی ملاقاتهای جمعی و دو جانبه عنیدنه ای در درسدن، مسکو، پراگ، چرنا نادیتسو، براتیسلاوا نگرانیهای خود را با رهبری ح.ک.ج. در میان گذاشتند. رهبری ح.ک.ج. وجود فعالیت از جانب عناصر ضد سوسیالیست و روزیونیست را تأیید کرد ولی عملاً این اقدامات از حدود برخی تقبیح های رفیق فراتر نرفت. پس از کنفرانس براتیسلاوا و توافق شش حزب در آن که مایه شادمانی و خرسندی کمونیست های جهان شد، سرکوسکی رئیس مجلس در ۷ اوت ۱۹۶۸ در مصاحبه ای در «نوستی نادلبم» گفت: «اعلامه براتیسلاوا را باید اول به چکی ترجمه کرد. آنچه که ما میخواهیم، بدان رسیده‌ایم. حالا باید آنچه را که در براتیسلاوا از دست داده ایم، بدان برسیم.»

این وضع بحق بر نگرانی کشورهای سوسیالیستی دمبدم میافزود، زیرا آنها میدانستند که رخنه ایده تولوژیک یا باصطلاح سایش و «فرسایش» تدریجی ایده تولوژیک (ارویون) در کشورهای سوسیالیستی و باصطلاح «دمونتاژ» تدریجی سوسیالیسم در این کشورها و اجراء تاکتیک «ضد انقلاب از راه خزش آرام»، یکی از تاکتیکهای امروزی امپریالیسم در کشورهای سوسیالیستی است. آنها میدانستند که فرمول «هنزیستی انتخابی» (سلکتیو) که امپریالیستهای امریکا به پیش کشیده اند و معنایش هنزیستی همراه با امتیاز دادن به آن کشورهای سوسیالیستی است که راه مخالفت با اتحاد شوروی را در پیش گیرند، یکی دیگر از تاکتیکهای نوین امپریالیستی است. آنها میدانستند که باصطلاح «سیاست شرقی» آلمان غربی دنباله در صفحه ۴

در باره حوادث چک اسلواکی

چیزی جز ایجاد تفرقه در میان کشور های سوسیالیستی بمنظور منفرد کردن آلمان دموکراتیک نیست، آنها میدانستند که مقاومت ایده نولوژیک بورژوازی و خرده بورژوازی بگفته لنین «عمیق ترین و نیرومند ترین» شکل مقاومت آنهاست. سیاست نوین رهبری ح. ک. چ. متأسفانه باین عوامل منفی، ولو از روی اشتباه در حساب، ولو از روی نیاتی دمکراتیک و انساندوستانه، میدان میداد که نتایج و عواقب آن معلوم نبود.

کشور های سوسیالیستی چنانکه مذاکرات جرنا نادیتسو و براتیسلاوا نشان داد خواستار آن نبودند که رهبری ح. ک. چ. در کورس دمکراتیزاسیون کشور تغییری دهد، بلکه خواستار آن بودند که رهبری حزب کمونیست تحکیم شود، جلوی عناصر ضد سوسیالیست، ضد انقلابی، ناسیونالیست، جلوی آزادی غیر محدود مطبوعاتی که جنجال بزرگی علیه گذشته سوسیالیستی چک اسلواکی دستاورد های آن، علیه کشور های متحد سوسیالیستی براه انداخته بودند گرفته شود.

وقتی رهبری ح. ک. چ. که ظاهراً هراسان بود با اقدامات قاطع افکار بخشی از اهالی و گروهی از روشنفکران و روزنامه نگاران را علیه خود برانگیزد، در این عمل تردید کرد، آنگاه کشور های سوسیالیستی بر سر دو راه قرار گرفتند: یا میبایست بگذارند جمهوری سوسیالیستی چک اسلواکی با همه اهمیت بزرگ صنعتی و استراتژیک خود در جاده مهمی سبک کند و یا از اینکار جلو گیری کنند، یا میبایست بخاطر مراعات موازین صوری دست بر دست نهاده تماشاگر بمانند

یا باید با قبول مقداری ناگواریها و بخاطر منافع طبقاتی پرولتاریا وارد اقدام شوند. لنین میگوید: «عناصر ضد انقلابی دشمنان شرور زحمتکشاند، زیرک، دانا، با تجربه اند، با صبر و حوصه تمام منتظر لحظه متناسبند تا توطئه ای برانگیرند. نسبت باین دشمنان زحمتکش باید روش بی امان داشت.»

(کلیات زبان روسی، ج ۳۹، ص ۱۵۵) این جریان بویژه برای اتحاد شوروی که وظیفه عمده دفاع از اردوگاه سوسیالیستی بعزت قدرت اقتصادی و نظامی ناگزیر بر عهده اوست، برای اتحاد شوروی که در راه نجات چک اسلواکی از هیتلریزم ۱۵۰ هزار تن از فرزندان خود را تنها در خاک این کشور قربانی داده است، برای اتحاد شوروی که موافق فهرست منتشره در روزنامه پراودا بخاطر تحکیم سوسیالیسم سه میلیارد و نیم دلار کمک اقتصادی به چک اسلواکی کرده است، برای اتحاد شوروی که از جهت انقلابی و اترانسونالیستی موظف است نه فقط نگذارد تناسب قوای انقلاب و ضد انقلاب در

صحنه جهانی بزبان انقلاب تقویت شود، بلکه بسود انقلاب دگرگون گردد، قربانی حدس بود. بنیادینان تصمیم به اعزام قوای مسلح از طرف پنج دولت پیمان ورشو بر

اساس دعوتنامه ای از رجال حزب و دولت چک اسلواکی و بر حسب تعهدات ناشیه از پیمان ورشو همچنانکه رفیق گس هال دبیر اول حزب کمونیست امریکا گفت يك «ضرورت تلخ» بود. حزب ما نیز این «ضرورت تلخ» را بخاطر آنکه محتوی منطقی تاریخی محتوی طبقاتی آنرا بدرستی درک کرد تا باید نمود. حزب ما متوجه بود که اگر تا کنیک ضد انقلاب در چک اسلواکی تدریجاً و خزینده خزینده پیش میرفت و آنطور که پرفسور

مهنرت آشکارا نوشت روزی چک اسلواکی را سوسیال دموکرات ها اداره میکردند این امر از جهت تناسب قوای سوسیالیسم و سرمایه داری دارای عواقب پیش بینی ناپذیر بود. حزب ما در جریان این تأیید بخوبی میدانست که عمل پنج دولت از طرف محافل وسیعی حتی برخی محافل مترقی جهانی بشواری قابل درک است و گاه قابل درک نیست ولی حزب میدید که امبرالیسم امریکا هر جا که توانست غلبه کند، مانند ایران، اندونزی، گواتمالا، دومینیک، کنگو، برزیل و غیره چه نیرو هائی را سرکار آورد و چگونه با بیرحمی دست به نابود کردن عناصر مترقی دست زد. در سهای تاریخ تلختر از آنست که بتوان باتکاء خوش بینی های بدون پشتوانه، نسبت به سرنوشت يك کشور سوسیالیستی بی اعتناء بود. تردیدی نیست که حزب ترجیح میداد رهبری ح. ک. چ. با اجراء

موافقت نامه براتیسلاوا از پیدایش این وضع جلوگیری میکرد، ولی چه باید کرد که «ضرورت تلخ» بهر صورت پدید شد. در این نوع موارد داور عادل عمل سبب تاریخ است. مطبوعات، تلویزیونها، رادیوها و محافل رسمی کشورهای سرمایه داری که در باره تجاوزات فجیع امبرالیستی و از آنجمله در ویتنام یا تأیید میکنند، ناخاموشند و یا به برخی لندلندهای از کنار و گاه گاهی اکثراً میوزند، در این جریان بزرگترین کامیانی را براه انداختند ولی آنچه را که در تاریخ میماند سفسطه های صوری و یا هیجانات احساسی نیست، بلکه محتوی اعمال از جهت مخور تکاملی آنست. رفتار قوای متحده پیمان ورشو در چک اسلواکی و نتیجه مذاکرات مسکو نشان داد که تا چه اندازه اتهامات و انتسابات منادیان تبلیغاتی سرمایه داری دور از واقعیت بود.

حزب توده ایران موافقت نامه مسکو را که بدنبال مذاکرات ۲۳ - ۲۶ ثوت با رهبری ح. ک. چ. انجام گرفت با خرسندی و خوشوقتی تلقی کرد و از صمیم قلب آرزومند است که این موافقت نامه پایان يك فصل دردناک باشد و سوسیالیسم در چک - اسلواکی هم در جاده دموکراسی و هومانیزم، و هم در جاده اترانسونالیسم اصیل و بی خدشه و تحکیم قدرت حزب طبقه کارگر پیش رود. برخی اظهارات رهبران ح. ک. چ.

پس از مذاکرات مسکو نشان میدهد که اینک فضاوت هشارانه نسبت بامور بتدریج جا باز میکند. مثلاً آلکساندر دوپچک دبیر اول حزب پس از بازگشت از مسکو گفت: «ما ایمان راسخ داریم که برای نرما لیزه کردن وضع در کشور وسائل کار فعالانه را خواهیم یافت. این ایمان راسخ ما را مذاکراتی که در مسکو داشته ایم و دیروز خاتمه یافته است تقویت میکند. نمایندگان شوروی تلاش بسیاری انجام دادند برای آنکه روابط ما در شرایط واقعی امروزی نرمال شود.»

آلکساندر دوپچک در سخنرانی خود در پلنوم کمیته مرکزی در اول سپتامبر گفت که «حزب کمونیست چک اسلواکی نسبت بمنافع استراتژیک و دیگر منافع عمومی کشورهای پیمان ورشو و از آنجمله اتحاد شوروی بعد کافی توجه نکرده بود و این يك عامل واقعی و عینی است که اقدامات ممکنه در راه رشد سیاسی ما را محدود میکند.» علاوه بر دبیر اول ح. ک. چ. لودویک سوابدا رئیس جمهور این کشور نیز با نظر نقادانه به شوه عمل گذشته حزب نگریست. وی در سخنرانی خود در جلسه پلنوم آغاز سپتامبر ۱۹۶۸ چنین گفت: «باید کار عملی و سیاسی ح. ک. چ. را از آن نقائص و اشتباهاتی که در ماههای گذشته حزب را تضعیف میکرد و از این طریق میدان را برای تکامل گرایشهای منفی یا ضد سوسیالیستی آماده میساخت، آزاد کرد.

لازمه اجراء تمهداتی که ما در مسکو بهمه گرفتیم اقدامات فوق العاده است. لذا اگر کوشش شود که این اقدامات فلج گردد، این عمل نه فقط پندار باطلی است، بلکه عواقب جدی خواهد داشت.»

الدبریچ چرنیک نخست وزیر ح. س. چ. در سخنرانی خود در روز ۱۳ سپتامبر ۱۹۶۸ در مجلس چنین گفت: «مشی اساسی سیاست پس از ژانویه، که اکثریت خلق آنرا تأیید کرد، با يك سلسله تمایلات افراطی روبرو گردید، اعم از دگماتیك که خواستار بازگشت به گذشته بود و یا مشی راست روانه که با تعمیم غلط اشتباهات رشد و تکامل ما بعد از سال ۱۹۴۸، به نفی رهبری، نفی نقش حزب و تردید یا حتی انکار علنی سوسیالیسم میرسد، اجراء عملی چنین گرایش هائی از جهت منافع و هدفهای جامعه و از لحاظ سیاسی اقدامی بود فاقد مسئولیت. در دوران کوتاهی، طی چند ماه رشد و تکامل ما، در برخی موارد، خصلت شتابکارانه و عدم تعادل بخود گرفت. ما نتوانستیم بوقوع گرایشهای را تحلیل کنیم که بنظام سیاسی داخلی ما و عواقب آن برای وضع بین المللی ما مربوط میگردد.» و سر انجام

گوستاو هوساک دبیر اول اسلواکی و عضو کنونی هیئت رئیسه حزب که از هواداران مشی دوپچک است در تاریخ ۳۰ ثوت در

جلسه کنفره فوق العاده اسلواکی چنین گفت: «من شنیدم که برخی ها میگویند باید مقاومت کرد (یعنی در مقابل موافقتنامه مسکو - مسردم) باید عصبان ورزید، صین ورزید و غیره. فکر کنید که این اظهارات ما را بکجا میتواند بکشاند. کیست که خواستار است خاق ما را به جنگ برادر کشته سوق دهد؟ کیست که ویرانی و هزاران تلفات میخواهد؟ برای چه مقصود؟ برای کدام دورنما؟ در دوران مذاکره در مسکو از ما نخواستند که مهره ای بیجان یا چاگری حرف شنو باشیم. برعکس، از ما خواستند که ما راه حلی که برای ما قابل قبول باشد بیابیم. برای ما تنها يك راه حل وجود دارد: راه هشارانه، راه عقل هشیار و برخورد با مسئولیت به خلق خود. هر راه دیگر، راه ماجراجویی سیاسی است. آنچه هم که آنرا با کلمات و عبارات زیبا ادا کنند.»

چنانکه خبر نگاران کشورهای سوسیالیستی میبینند اکنون در کنار اقداماتی که حزب، دولت و مجلس برای عادی کردن وضع در چک اسلواکی و اجراء موافقتنامه مسکو بعمل میآورند فعالیت آشکار و نهانی نیز از طرف نیرو های راست انجام میگردد و در اثر حوادث ماههای اخیر سردر گمی زیادی در اذهان عمومی پیدا شده که میتواند باین فعالیتهای راست و غیر سوسیالیستی میدان بدهد لذا کار نرمالیزه کردن وضع بکسندی پیش میرود و همه چیز نشان میدهد که راهی دراز و دشوار در پیش است. ما امیدواریم که رهبری حزب چک اسلواکی بتواند این راه دشوار را با موفقیت طی کند

این راه دشوار را با موفقیت طی کند مسیح سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ایده نولوژیکی در این کشور بسود سوسیالیسم تحکیم گردد. حزب ما در اعلامیه کمیته مرکزی در اظهارات دبیر اول کمیته مرکزی که در رادیو بیك ایران پخش شد موافقتنامه مسکو را تأیید کرد و بر آنست که با این شیوه کار به وظایف برادری خود با ح. ک. چ. با خلق های چک و اسلواکی عمل کرده است. تاریخ در آینده بهتر از امروز صحت این روش را روشن خواهد ساخت.

تغییر آدرس رادیو بیك ایران هموطنان عزیز! رفقای حزبی! به این آدرس در استکهام (سوند) با رادیو بیك ایران ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکتوبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 49034
Stockholm 49
Sweden

تغییر آدرس

رادیو بیك ایران

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهام (سوند) با رادیو بیك ایران ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکتوبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 49034
Stockholm 49
Sweden

دنباله از صفحه ۲

در باره «انقلاب آموزش عالی»

شیوه های استفاده از آن منابع و بکار بستن این نتایج است. گسرد آوری و سیستماتیزه کردن نتایج پژوهشهای جهانی و گناردن آنها در دسترس پژوهندگان ایرانی بزرگترین و ضروری ترین کاریست که دولت میتواند و باید در این زمینه انجام دهد. تا متخصصین ایران بتوانند در پژوهشهای خود در حدود نیازهای واقعی کشور از آنها بسود کشور بهره برداری نمایند.

در زمینه هدفهای «انقلاب آموزشی»

هدف ناگفته ای نیز وجود دارد و آن کوشش در راه منحرف کردن جهت مبارزه دانشجویان و کند کردن لبه تیز این مبارزه از طریق دادن بعضی اختیارات خرد و ناچیز در «کلیه (۲) امور دانشجویان از قبیل رفاه دانشجویان، فعالیت های فرهنگی، هنری، علمی، علمی و مسافرتیهای دستجمعی و غیره» میباشد. دانشجویان ایرانی که سالهاست چه در داخل و چه در خارج کشور با رژیم ضدملی و ضددموکراتیک ایران و با مقامات و مسئولین خود سر و خود رای دانشگاهی مبارزه کرده اند، اکنون باید از طریق کمیته های دانشجویی که بر موازین کاملاً غیردموکراتیک انتخاب میشوند، فقط به فعالیتهای فرهنگی و هنری و ورزشی سرگرم شوند و از این راه در تعیین سرنوشت و دانشگاه خود شرکت ورزند! و این کار در زمانی انجام میگردد که موج عظیم جنبش دانشجویی تقریباً سراسر کشور های جهان را فرا گرفته است و دانشجویان بیش از پیش شرکت خود را در تعیین سرنوشت سیاسی و اقتصادی کشورهای خویش خواهانند. بدیهی است رژیم که استقلال دانشگاه را باطل میکند و استادان دانشگاه را از حقوق مکسبه خود در تعیین رؤسای دانشکده ها و دانشگاهها محروم میسازد و اداره امور دانشگاهها را عملاً بدست دربار میسپارد، «حق» بیشتری برای جوانان قائل نخواهد شد. رژیم با سرگرم کردن دانشجویان بکار کمیته های دانشجویی، نخواهد توانست فکر دانشجویان را از مبارزه واقعی منحرف سازد. دانشجویان ایران بیدار تر از آنند که کارگردانان رژیم بتوانند آنها را فریب دهند. آنها از همین وسائل موجود بسود یسرفت واقعی جنبش دانشجویی استفاده خواهند کرد و سرانجام سازمانهای واقعی دانشجویی را بوجود خواهند آورد.

برنامه عمل رژیم

در منشور رامسریک سلسله اقدامات اداری، سازمانی، استخدامی و مالی در جهت تقویت و توسعه دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی، تشدید نظارت دولت، جاب همکاری بخش خصوصی، بهبود وضع مادی استادان و پژوهندگان و غیره پیش بینی شده است که بر صورت اجرا شدن میتواند در وضع دانشگاهها و امور تحقیقات بهبود نسبی بوجود آورد. ولی این اقدامات هر قدر هم بطور

قاطع و پیگیر انجام گیرد، نخواهد توانست تمام تضادهای موجود پایان بخشد و بیشک خود موجد تضادهای تازه تری خواهد بود زیرا تمام اینها اقداماتی هستند که در چارچوب بنیادهای اجتماعی و اقتصادی و رژیم سیاسی کنونی میخواهند انجام گیرند. نظام سرمایه داری و آنهم سرمایه داری وابسته هرگز قادر نیست تضادهای اجتماعی و از جمله تضاد های امر آموزش را بر طرف سازد. هم اکنون تمام جهان سرمایه داری و از جمله پیشرو ترین کشورهای سرمایه داری در زمینه آموزش دچار تضاد های شدید هستند. بطوریکه حتی کنفرانس جهانی که در اکتبر سال ۱۹۶۷ از طرف یونسکو تشکیل شد، وجود بحران آموزشی را در سراسر جهان تأیید نمود. و نیز در جلسه ای که در ماه ژوئن سال جاری از طرف مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» در پراگ تشکیل شد، نمایندگان پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری از وجود تضاد های لاینحل در امر آموزش این کشور ها سخن راندند.

ماهیت غیردموکراتیک رژیم و وابستگی سیاسی و اقتصادی آن از کشورهای امپریالیستی موانع جدی تری در راه رفع این تضاد ها بوجود میآورد و تا زمانیکه ماهیت ضددموکراتیک و ضد ملی رژیم با برجاست برای پیشرفت آموزش، پرورش استعداد ها و توسعه پژوهشها وسایل و امکانات لازم بوجود نخواهد آمد. هم اکنون بودجه دستکاه های فشار و تنسیق داخلی (سازمان امنیت، ژاندارمری و شهرانی) بیش از ۲۵ برابر بودجه دانشگاههای ایران است (به ترتیب ۱۰، ۱۰۹ و ۳۹ میلیارد ریال) بودجه نظامی کشور تقریباً ۲۵ برابر بودجه وزارت آموزش و پرورش و بیش از ۹ برابر بودجه تمام دانشگاه ها و مدارس عالی کشور است. لزوم موانع مالی و مادی برای ادامه تحصیل (وجود شهریه ورودیه و فقدان کمک تحصیل و غیره) بوسیله «منشور انقلاب آموزش» تأیید شده است. سلب آزادی از دانشگاهها و معو استقلال آنها از طریق سپردن کار آنان بدست هیئت های امناء که خود آلت دست دربار هستند، مورد تأیید منشور قرار گرفته است. هنوز کشورهای امپریالیستی با تحمیل متخصصین و مشاورین خود میدان عمل کادر های داخلی را محدود میسازند و مانع رشد استعداد و بسط ابتکار آنان میشوند. ورود کالا های خارجی از گزیده تولید آنها را در داخل کشور از میان میبرد و از این راه بر شد علم و فن که باید همای رشد تولید انجام گیرد لطمه وارد میسازد. تکیه به همکاری بخش خصوصی با دانشگاهها که در واقع بمعنای بهره برداری بخش خصوصی از نتایج بررسی های علمی و فنی مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی است، دانشگاهها و مراکز پژوهشی را که بحساب توده های زحمتکش اداره میشوند، بیش از پیش بخدمت سرمایه داران و مالکان در خواهد آورد. بدینسان اتخاذ بعضی تدابیر اداری و حتی تعویض رؤسای دانشگاهها و دانشکده ها گرچه میتواند پیشرفت های معینی را در امر

دنباله از صفحه ۱

ده روز فستیوال

اسلحه از مبهن خود دفاع میکردند، گل و پرچم بدست گرفته و وارد میدان میشدند، با ورود آنها همه بیا خاستند و هبسته کی خود را با قهرمانان ویتنام نشان دادند. هیئت نمایندگی جوانان توده ایران، با تمام مشکلاتی که سر راه خود داشت، با نظم و ترتیب در فستیوال شرکت کرد، در اولین جلسه آن رئیس هیئت نمایندگی گفت: «رفقای عزیز ده روز فستیوال برای ما که بزرگوار خود را با اینجا رسانده ایم، ده روز کار و فعالیت خواهد بود» و جوانان با قیافه مصمم و چشمان متبسّم نشان دادند که برنامه دانشگاهیون را به بهترین شکل انجام خواهند داد. در همان جلسه پیامی خطاب به جوانان قهرمان ویتنام تنظیم شد، همانطور پیامی برای زندانیان سیاسی، به رفقا حکمت جو، خاوری، صابر محمد زاده و آصف رزم دیده و کلیه زندانیان سیاسی ایران بتصویب رسید.

در پیام از جمله چنین گفته شده بود: «رفقای عزیز، ما پرچمی را که شما افرشته نگه داشتید، پرچمی که بخون بهترین فرزندان مبهن ما رنگین شده است بر دوش داریم. ما این پرچم را در اجتماع عظیم جوانان باهتر از در خواهیم آورد.» و این پرچم، پرچمی بود که شهدای جوان جهانگیر باغدانیان، هوشنگ پور رضوانی، وارطان سالاخیان، کوچک شوشتری بر دوش داشتند هیئت نمایندگی تصمیم گرفت که یک گروه چند نفری این پرچم را بر دوش گیرند و روز رژه، آنرا در میدان باهتر از در آورند، یکی از شرکت کنندگان گشایش فستیوال و رژه گروه چند نفری را اینطور توصیف میکند:

«دانشجویون ها یکی پس از دیگری با سرود های مبهنی و ملی خود با پرچمهای بر افراشته وارد میدان میشدند مهابو و شادی جوانی باوج خود رسیده بود، وقتی جوانان شوروی با پرچمهای سرخ وارد میدان شدند

این سرود را میخواندند «مبهن اهیچ دشمنی نباید تو را بخطر اندازد» شور و شغف ادامه داشت، تا آنجا که پرچم مبهن را در دست رفیق خود دیدم که مردانه بایک هیئت کوچک وارد میدان میشد. حق نداشتیم ابراز احساسات کنیم، باید بعد از مردم شروع میکردیم، زیرا در آنجا هم اصول شرایط مخفی برای ما بدست ادامه داشت و ما را وادار بسکوت میکرد. شب هنگام نخست دستورات خود را برای شرکت در برنامه سیاسی فستیوال دریافت کردم و به رختخواب رفتم. آنشب بخواب نرفتم ساعت های متعددی در اندیشه بودم، از این نظم و ترتیب که چگونه این جمعیت بدون خشونت و دخالت آموزش و پژوهش تأمین نماید، ولی ماهیت ضد ملی و ضددموکراتیک رژیم به برانداختن تضاد های ناشی از نظام سرمایه داری در غرضه آموزش قادر نخواهد بود.

مسعود

پلیس نظم و ترتیب یافته، یکی از رفقا در روز گفته بود من اولین باری است که از پلیس نمترسم».

روز دوم فستیوال، روز هبسته کی با مردم و جوانان رهنده ویتنام بود، هزاران جوان در کار دستجمعی بنفع ویتنام شرکت کردند، تمام رفقای ما نیز در درختکاری برای ایجاد باغ دوستی با ویتنام کار کردند و در مینه کی که تشکیل شد از طرف دانشگاهیون سخنرانی بعمل آمد. در روزهای بعد، دانشگاهیون جوانان توده های در مینه کی هبسته کی با خلقهای عرب، پشتیبانی خود را از مبارزه آنها اعلام نمود، در فوروم بین المللی تحت عنوان مبارزه علیه امپریالیسم، برای صلح، دموکراسی و استقلال ملی در سمینار های اصلاح ارضی، حقوق جوانان زندانیان سیاسی، فقر گرسنگی و بیسوادی و همچنین در کنفرانس مجله صلح و سوسیالیسم و در کنفرانس دانشجویی شرکت نمود و در سخنرانیها وضع جوانان کشور و مبارزه آنها را شرح داد.

دختران عضو دانشگاهیون در روز دختران به دختران ویتنام هدیه دادند و در سمینار دختران و زنان جوان شرکت کردند. هنگام ملاقات با دانشگاهیون جوانان شوروی مطالب مختلف سیاسی مورد بحث قرار گرفت و جوانان دو کشور از طرز فعالیت سازمان های جوانان خود صحبت کردند و هدایای مبادله شد، معاون کمیته جوانان شوروی مبارزات جوانان توده ایران را ستود و گفت بین ما و شما همکاری متقابل و دوستانه ای برقرار است و ادامه خواهد یافت و رفقای جوان ما میتوانند همیشه در مبارزه خود از پشتیبانی جوانان شوروی بر خوردار باشند. در ملاقات با دانشگاهیونهای کشور های مختلف، هنگام بازدید از مؤسسات بلغارستان، جوانان ایرانی صفحه سرود های مبارزه، عکسهای دکتر تقی ارانی، جزوه «جوانان ایران میزنند»

و همچنین هدایایی از کار هائی دستی و هنر های ملی ایرانی تقدیم آنها نمودند. گروه هنری دانشگاهیون، چندین برنامه هنری در صوفیه و شهرهای مختلف اجرا نمود و در کنکور رقص برنده جایزه شد. ولی کار هنری هنرمندان بهمین جا خاتمه نیافت، علاوه بر اینکه فعالانه در کار ها و جلسات سیاسی شرکت میکردند، آنها در هر بر خورد، در هر سفر و در هر موقعیکه جوانان دور هم بودند موزیک و آواز خود را براه میآنداختند و همه را به رقص و آواز وامیداشتند، سرود هائیکه در این روز ها خوانده شد، آهنگهائی که جوانان یاد گرفتند سالهای سال یاد خواهد ماند.

مخالفین فستیوال کوشیدند تا از داخل آنرا بهم زند، تنها سازمان جاسوسی سیا سالیانه ۵۰ میلیون دلار برای فعالیت خرابکارانه در سازمانهای مترقی جوانان و بخصوص امسال برای برهم زدن فستیوال خرج کرده بود. عناصری که میخواهند در نهضت جوانان اختلاف اندازند، علیه فستیوال تحریک کنند، بزودی خود را تنها یافته، تدارکاتشان نقش بر آب دنباله در صفحه ۶

اخباری از ایران

جان رفیق پرویز حکمت جو در خطر است؛ وی در اثر نامساعد بودن وضع زندان در برازجان، و فقدان وسائل بهداشتی دچار درد مهربه های پشت شده است، پزشکان گفته اند که معالجه در برازجان ممکن نیست و باید در تهران با شیراز تحت عمل جراحی قرار گیرد، دستگاههای انتظامی با این انتقال موافقت نمیکنند و در برازجان هم وسائل جراحی و دکتر جراح وجود ندارد. تمام درخواستها و تلاشها در این زمینه نتیجه نرسیده است، ما نسبت به این روش ضد انسانی دستگاههای انتظامی، شدیداً اعتراض میکنیم و اعلام میداریم که هر خطری متوجه جان رفیق پرویز حکمت جو شود، دستگاههای انتظامی، دادگستری و بهداشتی و دولت مسئولیت مستقیم خواهند داشت.

مبارزه دانشجویان دانشسرای عالی برای تبدیل دوره دو ساله فوق دیپلم به دوره ۴ ساله لسانس در اثر وحدت و پیگیری به نتیجه رسید، گرچه اعتصاب بهمن ماه گذشته با مداخله و خشنابانی پلیس در هم شکست، ولی اتحاد دانشجویان و حقانیت خواست آنها دولت را وادار کرد که بتقاضای دانشجویان توجه نمایند.

سازمان حزب ما در تهران بمناسبت سالگرد ۳۰ تیر تراکنهائی با کاغذهای الوان منتشر نمود، روی این تراکنه از جمله نوشته شده بود؛ پیروزی نیروهای ملی و مترقی در قیام مقدس سیام تیر ۱۳۳۱ دلیلی بزرگ بر صحت عمل اتحاد نیروها و مبارزه متحد و متشکل در مقابل دشمن مشترک است، درود خلفهائی میهن ما به شهیدان سیام تیر که با نثار خون خود بر تارک تاریخ مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی جای گرفتند، درود بهمه زندانیان سیاسی که در زندانها نیز با ایمانی خلل ناپذیر با استعمار و استبداد مبارزه میکنند. اتحاد مبارزه پیروزی شعار همه نیروهای ملی و مترقی است.

در پتروشیمی بندر شاهپور ۸۰ نفر مهندس و متخصص خارجی استخدام کرده اند بعضی از آنها با تازگی کارگران فنی محلی نیز اطلاعات فنی نیدارند، اینها دو برابر مهندسیین ایرانی که در همین محلها کار میکنند حقوق و مزایا دارند، این متخصصین امریکائی، انگلیسی و آلمانی و فرانسوی علناً رشوه گرفتن را باب کرده اند برای استخدام یک کارگر ۵۰۰ تومان در خواست میکنند. و برای پرداخت حقوق و فوق العاده کار بجائی رسیده که از کارگران ویسکی و سیگار خارجی طلب میکنند. اخیراً این مهمانان ناخوانده از کارگران خواسته اند برایشان وسائل عیاشی فراهم سازند، و وقتی با مقاومت یک یکبارچه کارگران برخوردند آنها را تهدید باخراج نمودند. کارگران که در اثر اتحاد نیروی خود پی بردند از پای نشینند و تمام مقامات شکایت میکنند، اما کارگران هیچ توجه به شکایت کارگران

دنباله از صفحه ۱

اسناد حزبی

مرکزی بموقع خود بیان گردیده و در روزنامه پراودا ارگان مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی انتشار یافته است ذیلاً نقل میشود:

اقدام پنج کشور سوسیالیستی که بمنظور کمک برارانه به حزب کمونیست چکوسلواکی بعمل آمده مورد تأیید کامل حزب توده ایران است. حزب ما این اقدام احزاب کمونیست و دولت های سوسیالیستی را بعنوان اجراء وظیفه انترناسیونالیستی آنها بمنظور دفاع از سوسیالیسم در چکوسلواکی و دفاع از صلیح جهانی و ترقی اجتماعی تلقی میکند. این یک عمل عادلانه است که موجب حفظ و تحکیم دستاوردهای سوسیالیستی در چکوسلواکی خواهد بود. نمیتوان دست امپریالیسم را برای فعالیت سیهکارانه اش برای جدا ساختن چکوسلواکی از جمع کشورهای سوسیالیستی باز گذارد.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران وظیفه بزرگ انترناسیونالیستی خود میداند که نظر خویش را درباره اعزام نیرو های نظامی پنج کشور سوسیالیستی به چکوسلواکی که بنا بتقاضای گروهی از شخصیت های حزبی و دولتی جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی بر اساس تهدیدات ناشی از پیمان ورشو برای دفاع از سوسیالیسم در برابر حملات نیرو های ضد سوسیالیستی در چکوسلواکی انجام گرفته است، ابراز دارد.

ما با احساس مسئولیت کامل و درک اهمیت فوریت و ضرورت این اقدام پشتیبانی قاطع خود را از آن اعلام میداریم. ما با نگرانی کامل و قلبی را که پس از بدویم ژانویه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی در جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی روی داد دنبال میکنیم و میدیدیم که چگونه در نتیجه سیاست غلط برخی از عناصر قدر رهبری حزب کمونیست چکوسلواکی و درک نادرست مفهوم دمکراسی سوسیالیستی نیرو های ضد سوسیالیستی سر بلند کردند و فعالیت خود را روز بروز تشدید نمودند و بسط دادند.

با کمال تأسف رهبی حزب کمونیست چکوسلواکی با اینکه وجود خطر ضد انقلاب را افکار که در قطعنامه بدویم ماهه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی بیان شده تصدیق کرد ولی بجز محکوم کردن آن در حرف تأذیر مشخصی بر ضد آن اتخاذ نکرد.

بدون عمل قاطع پنج کشور سوسیالیستی دستاورد های سوسیالیسم در جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی در معرض خطر جدی قرار داشت. آینده بیش از امروز خصلت انقلابی و انترناسیونالیستی عمل قاطع پنج کشور سوسیالیستی را ثابت خواهد کرد و جنجال تبلیغاتی امپریالیستی نخواهد توانست برای مدت زیادی افکار عمومی را منحرف سازد.

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!
زنده باد چکوسلواکی سوسیالیستی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
دوم شهریور ۱۳۴۷

موضع گیری حزب ما درباره مذاکرات مسکو

انتشار اعلامیه مسکو در باره مذاکرات اخیر نمیتواند، حتی واسطه میشود که کارگران شکایت خود را پس بگیرند، فرمانداری و سازمان امنیت نیز عجز خود را در مقابل شرکت خارجی نشان میدهند و ژاندارمری متخصصین را احضار میکند. فشار همه جانبه دستگاههای دولتی که بارها نشان داده اند که مدافع کارگران نیستند، کارگران را وادار میکند که از شکایت خود بکنزند با اینکه چند نفر را منتقل یا اخراج کرده اند.

دنباله از صفحه ۵

ده روز فستیوال

گشت و رسوا شدند.

در این ده روز جوانان توده های آنچه را که بر عهده گرفته بودند انجام دادند، آنها در پیامی که برای جوانان ایران فرستادند فعالیت خود را اینطور شرح میدهند:

«ما جوانان ایرانی شرکت کننده در همین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان بسیار خوشوقتیم که توانستیم علیرغم مشکلات فراوان در اجتماع عظیم هزاران جوان از کشورهای مختلف جهان شرکت کنیم و با استفاده از کلیه فرصتها، وضع کنونی وطن خود، فقدان آزادیهای دمکراتیک، محرومیت های جوانان ایران و شرایط دشوار مبارزه شما را بیان کنیم. ما در کارخانه ها و مزارع، در کنفرانس ها و میتینگها، در رژه ها و سایر برنامه ها پرچمی را که با خون بهترین فرزندان کشور گلگون شده است بر دوش داشتیم، ما جوانان جهان اعلام کردیم که جوانان ایران با همه دشواریها پرچم مبارزه را تا پیروزی نهائی در اهتزاز نگاه خواهند داشت.

ما شرایط دشوار زندانیان سیاسی ایران را برای کلیه شرکت کنندگان در فستیوال بیان کردیم، ما صدای کسانی را که بعزت مبارزات ملی، دمکراتیک و ضد امپریالیستی خود در ایران به بند کشیده شده اند به گوش همه جوانان جهان رساندیم و توانستیم احساس همدردی آنها را نسبت به مبارزین کشور خود جلب نماییم. ما هبستگی جوانان و خلقه های زحمتکش

اتحاد جماهیر شوروی و چکوسلواکی بحق با رضایت و خرسندی از جانب همه مبارزان و هواداران صلح و استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم استقبال کرده اند. سند بسیار مهم مزبور بدون تردید ضربه محکمی است که به توطئه ها و عملیات خرابکارانه و تبلیغات دروغین مخالف امپریالیستی و دستیاران و دست نشاندهگان ضد انقلابی و ضد سوسیالیستی آنها وارد کرده است.

کمیته مرکزی حزب ما یکبار دیگر موافقت خود را با اقدامات بموقع و پیگیر اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی که بمنظور دفاع از دستاوردهای سوسیالیستی و بر هم زدن نقشه های شوم مخالف امپریالیستی و تلافی جوانان و نئونازیست های ایمن فریبی در چکوسلواکی صورت گرفته است ابراز میدارد و از اینکه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی توانسته اند در یک موقع بسیار حساس و بحرانی

بوظیفه انترناسیونالیستی خود عمل کنند و چکوسلواکی سوسیالیستی را از خطر بزرگی نجات دهند رضایت کامل دارد. کمیته مرکزی حزب توده ایران امیدوار است که موافقت حاصله در مذاکرات اخیر مسکو جامه عمل پوشد و از آزمونهای اخیر پند های لازم گرفته شود و در آینده مجاهدت پیشتری در راه تقویت و تحکیم وحدت در اردوگاه سوسیالیستی، در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و در جنبش رهائی بخش ملی بدوید. کمیته مرکزی حزب توده ایران ۷ شهریور ۱۳۴۷

در سد لتیان که هزاران نفر کارگر کار میکنند قانون کار اجرا نمیشود، اولیاء امور تصویب نامه ای صادر کرده اند و برخلاف قانون کار برای پایان کار بجای ۱۰ روز حقوق فقط ۵ روز پرداخته اند. در همین سد که پول کارگران را نمیدهند برای جلوگیری از نفوذ آب در جنوب سد کمی شش ماه

در سمینار زنان آسیا

نماینده زنان دموکرات و مترقی ایران که برای شرکت در سمینار زنان آسیا که چندی پیش تشکیل شده بود به جمهوری توده ای مغولستان رفته بود گزارش میدهد که در سمینار موفقیت زنی در اجتماع، تعلیم و تربیت و پرورش کودکان مورد بحث قرار گرفت از مذاکرات و بحثها بررسی شواهد و ارقام نشان میدهند که تنها در کشورهای سوسیالیستی است که زنان در تمام شئون کشور مداخله میکنند و دارای هر نوع امکانی برای ترقی و پیشرفت هستند با مقایسه با موفقیت زنی در کشور ما باید گفت: میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است. نمایندگان گزارش از پرورشگاهها، کودکستان ها، کمکهای مجانی طبی، مرخصی با حقوق پیش و پس از وضع حمل امکان تحصیل و ترقی زنان، غیره و غیره میدادند، و با شنیدن آنها وقتی انسان بیاد کوچکی های کثیف ایران میفتاد که بچه ها توی گرد و خاک بازی میکنند و بخاطر میآورد که مادری با بچه مریض در جلوی بیمارستان ایستاده و گریه میکند و یک بچه دهانی باید فرسنگها راه برود تا به کلاس سپاهی دانش برسد. متأثر میشد ولی وقتی بیاد قهرمانی مردم ایران، بیاد پیگیری آنها در پی یافتن مطمئن میشد که زحمات کشاکش ایران با اتسار مبارزه خود موفق خواهند شد بر ظلم و بیدادگری چیره شوند و زندگی نوئی بسازند.

ایران را با تمام مبارزان دموکرات و ضد استعمار با تمام پویندگان راه آزادی که سلاح بدست میزنند بخصوص با خلق قهرمان و پشیمان که از میهن و زادگاه خود دفاع میکنند اعلام داشتیم و عهد بستیم در هر گونه شرایطی از ایشان پشتیبانی کنیم. ما در این فستیوال با زندگی کار و تحصیل جوانان و ملت بلغارستان آشنا شدیم و دیدیم که حکومت توده های چه امکانات وسیعی برای ترقی، سعادت و شکفتگی در در اختیارشان گذارده است، در اینجا استثمار وجود ندارد و همه مردم بطور مساوی از تمام نعم مادی و معنوی برخوردارند ترقیات ملت بلغارستان که ما از نزدیک با ایشان آشنا شدیم شکفتن از صنایع است و آینده آنها باز هم بهتر و زیاتر خواهند بود. ما امان راسخ داریم که در کشور ما نیز جوانان و همه مردم با قهرمانی و مبارزات پیگیر خود، ایرانی آزاد، آباد و مترقی خواهند ساخت.

ما همگام با همه شما، بخاطر فرا رسیدن هر چه زودتر آن روز مبارزه میکنیم.

فستیوال با موفقیت تمام شده، شعله ای که بر بالای برج استاد یون واسیلی لوسکی مسوخت خاموش شد، جوانان با تشکر از دختران و پسران جوان بلغارستان، با تشکر از کمیته فستیوال، با تشکر از فدراسیون جهانی جوانان دمکرات، صوفیه را ترک کردند، تا در میهن خود پرچم یکبار را بالا تر نگهدارند و شعله مبارزه را فروزاتر نمایند.

یک شرکت فرانسوی کار میکند و دارائی ملت را بچی میزند، در حالیکه با کمترین خرج میشد یک دیوار بتنی کشید و جلوی نفوذ آب را گرفت. شماره یازدهم شعله جنوب ارگان تشکیلات خوزستان حزب توده ایران منتشر شد. ما موفقیت رفتارها در انتشار منظم شعله جنوب آرزو میکنیم و در شماره آینده رپورتاژ آنرا منتشر خواهیم ساخت.